

کودکان آزار دیده در مقایسه با کودکان معمولی، ضعیف تر است. پرخاشگری و رفتار ضد اجتماعی در این کودکان شایع است. شمار زیادی از کودکان آزار دیده احساس ناپیمنی می کنند، با کودکان همسن و سال خود تعامل ضعیفی برقرار می کنند و به برقراری ارتباط با بزرگسالان تمایلی ندارند.

کاهش در رفتارهای اجتماعی (متل لبخند زدن)، اعتماد به نفس و عزت نفس فوق العاده پایین، احساس ناامیدی، افسردگی و کاهش واضح احساس خود ارزشمندی از مشکلات معمول کودک آزاری است.

از نظر رفتاری کودک آزار دیده ممکن است گوشه گیر و هراسان به نظر برسد یا رفتار خشن و بی ثباتی از خود نشان دهد. ممکن است سعی کند جراحات خود را پنهان کند و معمولاً از ترس انتقام جویی، از افشای سوء رفتار خودداری می کنند.

چیستی چاره کودک آزاری

آمارنگران کننده کودک آزاری در حالی قدمی کشند که نبود قانون حمایت کننده از کودکان و شرایط سنتی و عقاید بومی در مناطق مختلف ایران موجب پیدایش مسائلی چون تصور مالکیت پدران نسبت به کودکان و حتی دختران بالغ آنها می شود. چنین باورهایی پدید آورنده معضلاتی از قبیل آزارهای جسمی و حتی در مواردی تجاوزهای جنسی می شود.

دکتر محمد زاهدی اصل، استاد دانشگاه در این باره می گوید: برای کاهش رفتارهای خشونت آمیز علیه کودکان، می توان برنامه ریزی های مفیدی با هدف آگاه سازی والدین و مربیان تدوین کرد. از جمله این برنامه ریزی ها می توان به آموزش نحوه رفتار با کودکان با توجه به ارزش ها و معیارهای نوین روان شناختی در رسانه های گروهی، آموزش احترام به حقوق کودک در جامعه، اعتبار بخشیدن به جایگاه کودک در خانواده، توجه به نقش مادران در پرورش کودک، برخورداری کودکان از کمک های اجتماعی مانند کسب مشاوره های حقوقی قضایی و کارشناسی های امور کودکان و تشکیل سمینارها و کنفرانس های متوالی در زمینه تثبیت حقوق کودک در جامعه، اشاره کرد.

احمد آملی حقوقدان نیز می گوید: باید در برخورد با ناهنجاری های اجتماعی از قبیل کودک آزاری، پیشگیری اولیه را مطرح کنیم و رسانه ملی هم وظیفه دارد تا با فرهنگ سازی به حل این معضل بپردازد و باعث ایجاد توازن فرهنگی متناسب با توسعه جامعه شود. مسلماً وقتی با این قبیل اقدامات، توسعه در رابطه با مسائل انسانی

و معنوی را به مرحله ای رساندیم که تبدیل به هنجار جامعه شد، انسانها به طور خاص برای حقوق زنان و کودکان هم احترام قائل خواهند شد و شاهد کاهش کودک آزاری و سایر معضلات اجتماعی از این دست خواهیم بود.

بن بست های قانونی

به نظر می رسد پدیده کودک آزاری باید به صورت یک جرم عمومی در جامعه شناخته شود و این جرم حتی اگر از سوی خانواده نیز اعمال شود باید مانند سایر جرائم مورد پیگرد قانونی قرار بگیرد.

دکتر مصطفی اقلیما، رئیس انجمن مددکاری ایران می گوید: برای مبارزه با کودک آزاری باید به جای اینکه به وضع قوانین پیردازیم، علت و عوامل کودک آزاری در جامعه شناخته شود و با ریشه یابی این عوامل سعی کنیم ضمن از بین بردن علت ها، معلول را نیز کاهش دهیم. تا زمانی که شرایط حاکم بر جامعه، عامل به وجود آورنده آسیب های اجتماعی است، ما نمی توانیم از تصویب قوانینی که هیچ ضمانت اجرایی درستی ندارند، به نتایج دلخواه خود برسیم.

احمد علی امیری، حقوقدان و وکیل دادگستری در زمینه حقوق کودکان می گوید: از لحاظ حقوقی، "طفل" دارای اهلیت تمتع است، یعنی دارای حق و حقوق در جامعه است، لیکن برای اعمال و اجرای این حق و حقوق باید دارای اهلیت استیفا نیز باشد. اهلیت استیفا به این معنا است که کودک بتواند حق و حقوق خود را که به واسطه انسان بودن، واجد آن شده است، اعمال کند. از آنجایی که کودکان به واسطه عدم بلوغ جسمی، فکری و روانی قابلیت اعمال حقوق خود را ندارند، از این حیث به آنها محجور گفته می شود. در جوامع تکامل یافته از لحاظ اجتماعی، برای حفظ حقوق شخصی و اجتماعی کودکان و نوجوانان معمولاً انجمن ها و کانون هایی، از جمله انجمن دفاع از حقوق کودک و نوجوان تأسیس می شود که محور فعالیت آنها وضع قوانین مناسب کودک و نوجوان و همچنین در مواردی ورود به خانواده های کودکان و نوجوان برای دفاع از حقوق آنان است.

این وکیل دادگستری با بیان این که این عین ظلم است که با کودکان مجرم مانند مجرمان بزرگسال رفتار شود، می گوید: عدالت ایجاب می کند که بین اطفال و افراد بزرگسال که اعمالشان از روی قصد و اراده است، تمایز قائل شد.

وی می افزاید: متأسفانه در کشور ما

کودک آزاری به وضوح دیده می شود و منشأ آن در بطن فرهنگ دیرین جامعه ما نهفته است و در صورتی کودک آزاری کم یا متوقف می شود که فرهنگ جامعه اصلاح شود. این بیماری اجتماعی باید در سیاست های کلانی که روشنفکران، فرهنگ سازان و بزرگان حکومت برای مملکت تدوین می کنند، مدنظر قرار گیرد. این صحیح نیست که یک شبه و با بررسی غیرکارشناسانه طرحی به مجلس برود و تصویب شده و به صورت قانون درآید و بعد هم اجرا نشود. امیری معتقد است: تفاوت نوع برخورد با کودک و نوجوان به تفکر، اندیشه، آداب و رسوم، سنت و فرهنگ یک جامعه بازمی گردد و چون فرهنگ جوامع مختلف با هم فرق دارد، از این رو نحوه برخورد جوامع با کودک و نوجوان نیز متفاوت خواهد بود.

عبدالصمد خرمشاهی دیگر حقوقدان و وکیل دادگستری در این باره می گوید: برطرف کردن معضل کودک آزاری نیاز به رشد فرهنگی در جامعه و ارتقا در سایر زمینه های اجتماعی دارد. فرهنگ یک شبه تولید نمی شود و برخورد سنتی والدین با کودکان نیز به یکباره تغییر نخواهد کرد. آنچه که مسلم است، اینکه اگر ارزش ها در جامعه رنگ ببازد و رفتارهای خلاف در جامعه نهادینه شوند و قبح خود را از دست بدهند، با وضع قوانین پیشرفته نیز نمی توان جامعه را دگرگون کرد.

خشکاندن ریشه های خشونت

سازمان دفاع از قربانیان خشونت با انتشار بیانیه ای با عنوان "بیابیم ریشه های خشونت را بخشکانیم" نسبت به رشد موارد آزار کودکان و تعرض به آنان هشدار داده است.

از خود می پرسیم که چگونه است با وجود تمام این اما و اگرها و باید و نبایدها، کودکان هر روز در روزنامه ها قطعه قطعه می شوند و کسی در این صفحات، یقه سازمان یونیسف را نمی گیرد که چرا دریغ می کند از صدور بیانیه ای تا حمایت کند از این کودکانی که

با این حال سالازار فولکمن، نماینده یونیسف در ایران از جمله اقدامات کلی یونیسف در ایران را اجرایی کردن پروژه "دستورالعمل رفتاری کاهش کودک آزاری" از سال ۲۰۰۲ میلادی تاکنون و با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان بهزیستی عنوان می کند و می گوید: با همکاری قوه قضاییه ایران و مطالعات صورت گرفته بر روی قوانین بین المللی حقوق کودکان و قوانین اسلامی حمایت از کودکان،